

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۷

بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه گویی بر مؤلفه‌های خلاقیت دانش آموزان ابتدایی

ناهید کریمی^{۱*}

داریوش مهرفزون^۲

علیرضا جعفری^۳

چکیده

زمینه: خلاقیت، پتانسیل و توانایی است که در فکر، اندیشه، قلم، رفتار و عمل انسان جلوه پیدا می‌کند و یکی از الزامات اساسی زندگی پیچیده، مدرن و شتابان جوامع و انسان‌های امروزی است. خصیصه‌ای که در اولین سال‌های زندگی می‌توان به بهترین شکل ممکن آن را پرورش داد و بارور کرد. بدون شک بخشی از ناکارآمدی نظام آموزشی، مربوط به کوتاهی و بی‌توجهی به این امر است و نظام‌های آموزشی باید جهت پرورش خلاقیت، فرصت‌های مختلفی را برای کودکان فراهم آورند.

هدف: پژوهش حاضر با هدف تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه گویی بر مؤلفه‌های خلاقیت دانش آموزان ابتدایی صورت گرفت.

روش: پژوهش از نوع آزمایشی پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه بود. به همین منظور از بین کلیه دانش‌آموزان دختر پایه سوم ابتدایی شهر قزوین، تعداد دانش‌آموز که در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ در مدارس این شهر مشغول به تحصیل بودند با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. سپس گروه آزمایش طی شش جلسه ۳۰-۴۵ دقیقه‌ای تحت آموزش قرار گرفت. قبل و بعد از اجرای متغیر مستقل، آزمون تفکر خلاق تورنس (فرم ب) به عنوان

۱. کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، اهر، ایران (نویسنده مسئول) Karimi.n_Scholar@yahoo.com

۲. مدرس گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران d.mehrafzoon@gmail.com

۳. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، اهر، ایران PersianARJ@yahoo.com

ابزار پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. سپس داده‌های به دست آمده با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: یافته‌های به دست آمده نشان داد بین آزمودنی‌های گروه آزمایش و گواه در مؤلفه‌های (سیالی، انعطاف پذیری و ابتکار) تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه‌گویی موجب افزایش خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی می‌شود. **کلید واژه‌ها:** مهارت‌های زندگی، قصه‌گویی، خلاقیت.

پیشگفتار

امروزه در شکل‌گیری درست یک دنیای مدرن و رو به پیشرفت، خلاقیت از اجزاء مهم یک زندگی اجتماعی به شمار می‌رود. تحقیقات روان‌شناختی، فلسفی و سیاسی از مفهوم خلاقیت حمایت می‌کنند که یک نمونه از تغییر روش به منظور درک بهتر پدیده‌ها و یکی از مهم‌ترین زمینه‌های روانشناسی و علوم آموزشی است (فداتو و لیتون^۱، ۲۰۱۵). خلاقیت در گذشته، پدیده‌ای مترادف با نبوغ تلقی می‌شد. در اواخر قرن ۱۹ و در اوایل قرن ۲۰ به منبع جدید خلاقیت توجه شد. در این دوران، این تفکر که نبوغ یا توانایی غیرمعمولی در یک فرد از یک روح بیرونی ناشی می‌شود، رنگ باخت. نزدیک به نیم قرن طول کشید تا خلاقیت به طور علمی و دقیق مطالعه شود. رهبری این جریان علمی را گیلفورد^۲ در سال‌های (۱۹۶۷-۱۹۵۹) بر عهده داشت (سام‌خانین، ۱۳۸۷). پارکر^۳ (۲۰۰۸) در تعریف خلاقیت بیان می‌کند که: «اصطلاح خلاقیت به آن دسته از فرآیندهای ذهنی دلالت دارد که به راه حل‌ها، ایده‌ها و مفهوم‌سازی‌ها، اشکال هنری،

1 . Fedotova & Latun
2 . Gilford
3 . Parker

نظریه های منحصر به فرد و جدید منجر می شود (به نقل از جبلی آده و سبحانی، ۱۳۹۱). گیلفورد تفکر واگرا را با خلاقیت مرتبط می داند و معتقد است که از چهار مؤلفه سیالی^۱، انعطاف پذیری^۲، اصالت یا تازگی^۳، و بسط^۴ تشکیل شده است. سیالی به معنی توانایی تولید ایده‌های زیاد در یک مدت زمان کوتاه یا تعداد پاسخ به یک محرک است. انعطاف پذیری؛ یعنی دادن پاسخ های قابل تقسیم به طبقات متفاوت؛ منظور از اصالت یا تازگی، توانایی تولید ایده‌های نو و غیرمعمول برای مسائل است و بسط به معنی توانایی توجه به جزئیات و غنی کردن ایده ها است.

تورنس^۵ می گوید: «ما برای بقا نیازمند آنیم که خلاقیت کودکان خود را برانگیزانیم، چرا که در این زمانه و با وجود استرس های روانی، اسلحه ای جز خلاقیت وجود ندارد که بتوان با آن به جنگ مشکلات رفت (سلیمانیان، ۱۳۸۸؛ به نقل از غلامی توران پستی و کریم زاده، ۱۳۹۰).

کودکان در سنین کم، استعداد خلاقیتشان را در قالب فعالیت های مختلف بروز می دهند. از جمله آنها می توان به خواندن آواز، نقاشی کردن، نقل داستان و حکایت، پرسیدن سؤال‌های مختلف و ساختن معما اشاره کرد که برای برخی انجام چنین فعالیت هایی شاهدهی بر توسعه خلاقیت کودکان است و برای برخی دیگر چنین معنایی ندارد (آلفونسو بنلیور، ملدنز، گارسیا بالستروس^۶، ۲۰۱۳). هانگ، پنگ و وو^۷ (۲۰۱۳) در پژوهشی دریافتند در بین کودکان ژاپنی ۶ تا ۷ سال و کودکان ایتالیایی ۸ و ۱۰ ساله، دختران در اصالت و بسط عملکرد بهتری نسبت به پسران دارند.

1 . fluency
2 . flexibility
3 . originality
4 . elaboration
5 . Tottance
6 . Alfonso-Benlliure & Meléndez
7 . Hong, Peng & Wu

خلاقیت و تفکر خلاق^۱ از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسان است که در بالاترین سطح فعالیت‌های شناختی او قرار دارد و از ارزشمندترین غایت‌های پرورشی و هدف‌های آموزشی به شمار می‌آید (سلیمانی، ۱۳۸۱). با اینکه این توانایی (تفکر خلاق) به طور بالقوه و فطری در انسان به ودیعه نهاده شده، اما ظهور آن مستلزم پرورش است. یکی از روش‌های پرورش خلاقیت، آموزش مهارت‌های زندگی^۲ است (بیدی و رنجبرزاده، ۱۳۹۲).

بر طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۹) مهارت‌های زندگی توانایی رفتار مثبت و سازگارانه ای است که افراد را قادر می‌سازد به گونه‌ای مؤثر با چالش‌ها و درخواست‌های روزمره زندگی برخورد کنند. در واقع مهارت‌های زندگی به مهارت‌های شخصی و اجتماعی گفته می‌شود که کودکان و نوجوانان باید آنها را یاد بگیرند تا بتوانند در مورد خود، انسان‌های دیگر و کل اجتماع به طور شایسته، مؤثر و مطمئن رفتار نمایند (مک‌تاویش^۳، ۲۰۰۰؛ به نقل از ساجدی و همکاران، ۱۳۸۸).

پژوهش‌های بسیاری پس از اجرای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی صورت گرفته است که تأثیر این آموزش را بر ابعاد مختلف سازگاری و سلامت روانی نشان داده‌اند، برای نمونه پژوهش ویکتوریا و همکاران^۴ (۲۰۰۹) که آموزش مهارت‌های زندگی را بر جلوگیری از سوء استفاده از مواد نشان داده‌اند. میدو و پارانز^۵ (۲۰۰۷) نشان داد آموزش حل مسأله اثر چشمگیری در افزایش خلاقیت افراد تحت آموزش دارد (به نقل از اعظمی، ۱۳۹۱). تاتل^۶ (۲۰۰۶) در پژوهش خود نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی در بهبود توانایی برقراری ارتباط مثبت و همچنین انعطاف‌پذیری نوجوانان مؤثر است. در پژوهش پاتامای^۷ (۲۰۰۶) مشخص شد که برنامه آموزشی در رابطه با خلاقیت به طور معناداری

1 . Creative Thinking
 2 . Life Skills
 3 . Mc Tavish
 4 . Victoria, Karina & Rainer
 5 . Meadow & Parnes
 6 . Tuttle. J
 7 . Ypatumai

باعث ارتقاء خلاقیت و مؤلفه‌های شناختی آن در دانش‌آموزان شده است. همچنین بین مؤلفه‌های خلاقیت؛ یعنی سیالی و ابتکار نیز رابطه معنادار مثبتی مشاهده شد (به نقل از زارع، پیرخائفی و مبینی، ۱۳۸۹). اعظمی (۱۳۹۱) و بیدی و رنجبر زاده (۱۳۹۲) در پژوهش خود، تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی را بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان مورد بررسی و تأیید قرار داده‌اند. نتایج پژوهش هاشمی و عباسی (۱۳۹۰) نشان داد آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش کمرویی دانش‌آموزان مؤثر است.

آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان، نیازمند برنامه‌ای است که به آنها نحوه فکر کردن، سالم زیستن، شاد بودن، مفید بودن و موفق بودن را بیاموزد. در این راستا، برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، جهت ارتقای سلامت روان و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان به عهده دارد. برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، باید با آموزش توانایی‌های روانی و اجتماعی فرد را قادر سازد که به طور مؤثر با مقتضیات و کشمکش‌های زندگی در عصری که در آن زندگی می‌کند رو به رو شود. بر این اساس در دوره پیش دبستانی و دبستان باید از روش‌هایی استفاده کرد که کودک به طور غیر مستقیم مفاهیم، محتوا و گرایش و نگرش‌های خاصی را دریافت کند. روش‌های انتخاب شده باید با ویژگی‌های سنی کودک و واقعیت‌های زندگی وی تناسب داشته باشد. این روش‌ها دارای انواع گوناگونی چون بازی، مشاهده و بازدیدهای علمی، نمایش خلاق، قصه‌گویی، داستان‌خوانی و ... است (فضلی، ۱۳۹۱؛ به نقل از اعظمی، ۱۳۹۱).

در قصه درمانی^۱ فرض بر این است که تغییر در زبان و ادبیات قصه‌های زندگی، خود به تغییر در معانی زندگی فرد منجر می‌شود و تغییر در قصه زندگی فرصت‌های زندگی، فرصت‌های جدیدی برای رفتار و روابط با دیگران ایجاد می‌کند (دسوشیو^۲، ۲۰۰۵). در

1 . Narrative therapy
2 . Desocio

قصه، فکر اصلی در قالب حکایت ارائه می‌شود و قصه‌گویی بیان هنرمندانه حکایت برای انتقال پیام به مخاطب است (ملکی قاسم، ۱۳۸۵). بنا به گفته مالکا^۱ (۲۰۱۰) ترکیب قصه با گروه درمانی می‌تواند موجب افزایش خودپنداره، ایجاد اعتماد به نفس و یافتن هدف، تفریح، افزایش مهارت حل مسأله در کودکان شود.

کارکرد قصه‌گویی تنها برای لذت بخشی و انتقال مفاهیم اجتماعی و افزایش توانایی‌های شنوایی و کلامی کودک نیست بلکه در کلاس درس از قصه‌گویی برای افزایش قدرت تخیل کودک می‌توان بهره برد (سیدعزیزاله طهرانی، ۱۳۹۰). فارست^۲ (۲۰۰۴) معتقد است که قصه‌گویی به عنوان یک ابزار یادگیری، توانایی برقراری رابطه بین افکار و احساسات را به شیوه‌ای قابل فهم افزایش می‌دهد. ملانی^۳ (۲۰۰۴) نیز بیان می‌کند که قصه‌ها ترکیب بسیار قدرتمندی برای سازماندهی و انتقال اطلاعات و معنی بخشیدن به زندگی و محیط هستند (به نقل از اسکندری و کیانی، ۱۳۸۶). پژوهش‌های بسیار حاکی از تأثیر قصه بر عملکردهای مختلف کودکان است. از جمله پژوهش، جلوه گر، کارشکی و اصغری نکاح (۱۳۹۲) که تأثیر آموزش خودتنظیمی را بر حل مسأله کودکان پیش دبستانی با قصه‌گویی همراه ساخته و مورد تأیید قرار داده‌اند. فرگان (۲۰۰۲) و رجب پور فرخانی و جهانشاهی (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان داده‌اند که آموزش حل مسأله از طریق قصه به کاهش اختلالات رفتاری در کودکان کمک می‌کند. طهماسیان (۱۳۸۵) در پژوهش خود کاربرد قصه را در آموزش مهارت‌های اجتماعی مورد تأیید قرار داده است. شستمن و ناصارالادین^۴ (۲۰۰۶) و نصیرزاده و رسول روشن (۱۳۸۹) در بررسی خود به این نتیجه رسیده‌اند که قصه بر کاهش پرخاشگری کودکان مؤثر است. اشرف پوری و همکاران

1 . Malka
2 . Forest
3 . Melanie
4 . Shechtman & Nasaraladin

(۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان دادند که قصه درمانی گروهی بر کاهش نشانه‌های اختلال لجاجی- نافرمانی مؤثر است.

گودرزی، مکوند حسینی، رضایی و اکبری بلوطنگان (۱۳۹۳) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه‌گویی، اثرات مثبت و مفیدی بر کاهش کمروبی کودکان دارد و می‌تواند به عنوان یک روش مناسب برای کاهش کمروبی مورد استفاده قرار گیرد. رادبخش، محمدی فر و کیان ارثی (۱۳۹۲) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که استفاده از روش بازی و قصه‌گویی به طور معناداری موجب افزایش خلاقیت در هر چهار مؤلفه آن در گروه‌های بازی و قصه‌گویی می‌شود.

بنابراین با توجه به مطالب و پژوهش‌های صورت گرفته که نشان می‌دهند خلاقیت و مهارت‌های زندگی، سازه‌هایی هستند که به ارتقاء کیفیت زندگی پرداخته، به شخصیت افراد شکل می‌دهند و در خدمت پرورش انسان سالم هستند. کودکی و نوجوانی بهترین مرحله برای پرورش این استعدادها است. همچنین بررسی‌های مختلف که حاکی از تأثیر بسزای قصه و قصه‌گویی بر عملکردهای مختلف کودکان و نوجوانان است. پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به این سؤال که «آیا آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه‌گویی بر مؤلفه‌های خلاقیت (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری دانش آموزان ابتدایی تأثیر معناداری دارد؟» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، که تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه-گویی بر مؤلفه‌های خلاقیت دانش آموزان ابتدایی بود، از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش آموزان دختر پایه سوم ابتدایی شهر قزوین که در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ در مدارس این شهر مشغول به تحصیل

بودند؛ و تعداد ۴۰ نفر از آنها با استفاده از روش نمونه گیری چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند.

جهت بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی به روش قصه گویی بر افزایش خلاقیت دانش آموزان، از «آزمون تفکر خلاق تورنس»^۱ (فرم ب) استفاده شد.

اشکال تصویری آزمون های تفکر خلاق تورنس، مستلزم پاسخ‌هایی است که به طور عمده ماهیت ترسیمی یا تجسمی دارند، استفاده از آزمون های تصویری از سطح کودکان تا سطوح بالاتر از دبیرستان توصیه گردیده است. این آزمون از ۳ مرحله تشکیل شده است: فعالیت ترسیم اشکال و تصاویر: تکه کاغذی رنگی (تخم مرغ شکل) به دانش آموز داده می شود و از آنها خواسته می شود تصویری را خلق کند که با تصاویر دیگر متفاوت باشد و همچنین نام یا عنوانی برای آن پیدا کند.

فعالیت تکمیل تصاویر ناقص: از دانش آموز خواسته می شود که با اضافه کردن خطوطی به شکل های ناقص در ۲ صفحه تصویر جالبی برای شکل تان خلق کند که با اشکال دیگر متفاوت باشد و یک عنوان جالب برای آن انتخاب کند.

فعالیت ساخت اشکال و تصاویر با استفاده ترکیبی از اشکال هندسی در صفحه خطوط موازی کشیده شده است و از دانش آموز خواسته می شود علامت‌هایی را به این خطوط موازی اضافه کند و تصویر جدیدی را خلق کند و عنوانی را برای آن انتخاب کند. در راهنمای مجموعه آزمون های تورنس، رهنمودهای مفصلی برای نمره گذاری، همراه با مثال‌های متعدد ارائه شده است. تورنس به این موضوع اشاره می کند که نمرات بالا، که از طریق آزمون «تفکر خلاق» به دست می آید، بیانگر بالا بودن احتمال عملکرد خلاق در فرد است.

در این پژوهش، جهت نمره گذاری پاسخ ها از دفترچه راهنمای آزمون خلاقیت تورنس استفاده شد:

1 . Torrance creative thinking test

اصالت: مطابق جدول برای هر فعالیت جداگانه نمره‌گذاری می‌شود.

بسط: هر جزء (ایده) وابسته (مربوط) که به خود شکل محرک اصلی، به مرزهای آن یا فضای اطراف آن اضافه شده باشد امتیاز داده می‌شود.

انعطاف پذیری: به وسیله محاسبه تعداد مقوله‌های مختلفی که پاسخ در آن اتفاق افتاده است به دست می‌آید.

سیالی: به وسیله محاسبه تعداد اشکال کامل شده به دست می‌آید.

ضریب پایایی این آزمون بین ۰/۸۰-۰/۹۰ برآورد شده است. همچنین مطالعات انجام شده در خصوص پایایی فرم‌های همتا در فاصله زمانی کوتاه نشان داده است که ضرایب حاصل معمولاً بین ۰/۷۰ و ۰/۹۰ متغیرند. روایی آزمون نیز توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفته است که توانایی آزمودنی‌ها را در ویژگی‌های اصالت، بسط، انعطاف پذیری و سیالیت می‌سنجد (تورنس، ۱۹۱۵؛ به نقل از اعظمی، ۱۳۹۱). بررسی ثبات درونی آزمون نشان می‌دهد که دامنه ضرایب ثبات درونی آزمون تورنس از ۰/۱۴ تا ۰/۶۹ است (متوسط ۰/۴۱) در خصوص اعتبار پیش بین^۲ و اعتبار ملاکی^۳ آزمون تورنس باید گفت که نمرات به دست آمده از دوره دبیرستان دانش آموزان ۰/۵۱ با پیشرفت‌های خلاق آنها در ۱۲ سال بعد همبستگی داشت (تورنس ۱۹۹۲؛ به نقل از اعظمی، ۱۳۹۱). در پژوهش پیرخانفی (۱۳۷۳) نتایج به دست آمده از بازآزمایی که بر روی ۵۰ نفر نمونه اجرا شده است ضریب پایایی کل را برای این آزمون ۰/۸۰ گزارش نموده است.

در پژوهش حاضر نیز، ضریب پایایی آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ محاسبه گردید که بیانگر پایایی قابل قبول آزمون است.

روش اجرای پژوهش بدین صورت بود که ابتدا از بین تمامی مدارس ابتدایی دخترانه، ۴ مدرسه، و از هر مدرسه ۲ کلاس به طور تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر کلاس ۲۰

1 . Internal consistency
2 . Predictive validity
3 . Criterion validity

دانش آموز به طور تصادفی انتخاب شدند و فرم «ب» آزمون تفکر خلاق تورنس بر روی آن - ها با هدف غربالگری و اجرای پیش آزمون استفاده شد. پس از اجرای پرسشنامه ۴۰ دانش - آموز، که با توجه به آزمون خلاقیت تورنس از خلاقیت کمتری برخوردار بودند به عنوان گروه نمونه انتخاب و به طور تصادفی در گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. سپس گروه آزمایش طی ۶ جلسه ۴۵-۶۰ دقیقه ای تحت تأثیر متغیر مستقل (آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه گویی) قرار گرفتند و گروه گواه مداخله خاصی دریافت نکرده و در صف انتظار دریافت مداخله بعد از اجرای کامل آزمایش قرار گرفتند. پس از اتمام دوره آموزشی، پس آزمون در مورد هر دو گروه اجرا شد.

یافته های پژوهش

پس از جمع آوری و استخراج داده ها و بررسی مفروضه های تحلیل کوواریانس، نتایج با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه گویی موجب افزایش خلاقیت دانش آموزان شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در گروه آزمایش و گواه

در مراحل پیش آزمون، پس آزمون

متغیر	مرحله	شاخص آماری گروه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	تعداد
سیالی	پیش آزمون	آزمایش	۱۸/۴۳	۲/۹۸	۹	۲۲	۲۰
		گواه	۱۵/۳۴	۳/۶۵	۹	۲۱	۲۰
	پس آزمون	آزمایش	۲۱/۳۳	۲/۴۵	۱۱	۲۱	۲۰
		گواه	۱۵/۱۳	۳/۳۳	۱۰	۲۲	۲۰
بسط	پیش آزمون	آزمایش	۱۶/۱۷	۳/۰۹	۱۰	۲۳	۲۰
		گواه	۱۵/۵۴	۲/۹۸	۱۱	۲۱	۲۰
	پس آزمون	آزمایش	۲۰/۴۰	۳/۰۱	۱۱	۲۴	۲۰
		گواه	۱۶/۶۵	۳/۷۰	۱۰	۲۳	۲۰
انعطاف پذیری	پیش آزمون	آزمایش	۱۳/۶۶	۳/۷۶	۱۱	۲۱	۲۰
		گواه	۱۲/۳۲	۳/۵۶	۹	۱۷	۲۰
	پس آزمون	آزمایش	۱۷/۸۵	۴/۶۹	۱۰	۲۵	۲۰
		گواه	۱۳/۲۰	۲/۸۳	۱۰	۱۹	۲۰
ابتکار	پیش آزمون	آزمایش	۱۶/۱۲	۴/۴۳	۱۰	۱۸	۲۰
		گواه	۱۴/۱۴	۲/۶۷	۹	۱۸	۲۰
	پس آزمون	آزمایش	۲۰/۲۰	۴/۰۰	۱۰	۲۵	۲۰
		گواه	۱۵/۱۰	۳/۷۲	۱۱	۲۱	۲۰

جدول ۱، اطلاعات توصیفی را، که شامل برآورد میانگین و انحراف معیار است، در مؤلفه‌های خلاقیت نشان می‌دهد. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود در مرحله پیش آزمون، میانگین و انحراف معیار مؤلفه سیالی هر یک از گروه‌ها به ترتیب گروه آزمایش ۱۸/۴۳ و ۲/۹۸، گروه گواه ۱۵/۳۴ و ۳/۶۵، در مرحله پس آزمون میانگین و انحراف معیار، گروه آزمایش ۲۱/۳۳ و ۲/۴۵، گروه گواه ۱۵/۱۳ و ۳/۳۳، است. در مرحله پیش آزمون

میانگین و انحراف معیار مؤلفه بسط هر یک از گروه ها به ترتیب گروه آزمایش ۱۶/۱۷ و ۳/۰۹، گروه گواه ۱۵/۵۴ و ۲/۹۸، در مرحله پس آزمون میانگین و انحراف معیار، گروه آزمایش ۲۰/۴۰ و ۳/۰۱، گروه گواه ۱۶/۶۵ و ۳/۷۰، است. در مرحله پیش آزمون میانگین و انحراف معیار، مؤلفه انعطاف پذیری هر یک از گروه ها به ترتیب گروه آزمایش ۱۳/۶۶ و ۳/۷۶، گروه گواه ۱۲/۳۲ و ۳/۵۶، در مرحله پس آزمون میانگین و انحراف معیار، گروه آزمایش ۱۷/۸۵ و ۴/۶۹، گروه گواه ۱۳/۲۰ و ۲/۸۳، است. در مرحله پیش آزمون میانگین و انحراف معیار مؤلفه ابتکار هر یک از گروه ها به ترتیب گروه آزمایش ۱۶/۱۲ و ۴/۴۳، گروه گواه ۱۴/۱۴ و ۲/۶۷، در مرحله پس آزمون میانگین و انحراف معیار، گروه آزمایش ۲۰/۲۰ و ۴/۰۰، گروه گواه ۱۵/۱۰ و ۳/۷۲، است.

جدول ۲. خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس متغیرهای ابتکار و انعطاف پذیری

پس از گواه متغیر پیش آزمون

متغیر	SS	درجه آزادی	MS	F	سطح معناداری
ابتکار	۲۴۱/۵۲۷	۱	۲۴۱/۵۲۷	۱۱/۸۷	۰/۰۰۱
انعطاف پذیری	۸۵/۲۶۷	۱	۸۵/۲۶۷	۹/۲۳۴	۰/۰۰۶
سیالی	۱۱۳۰/۳۲۱	۱	۱۱۳۰/۳۲۱	۹/۲۸۵	۰/۰۰۴
بسط	۳۹۲/۶۷۵	۱	۳۹۲/۶۷۵	۱/۶۰۷	۰/۱۸۵

با توجه به جدول بالا، از آنجا که F به دست آمده ($P < ۰/۰۵$) در متغیرهای ابتکار و انعطاف پذیری، به ترتیب ۱۱/۸۷ و ۹/۲۳۴ به دست آمده است با ۹۵٪ اطمینان می توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت های زندگی به روش قصه گویی بر مؤلفه های فوق مؤثر بوده است.

با توجه به جدول فوق، F به دست آمده ($P < ۰/۰۵$) در متغیرهای سیالی (۹/۲۸۵) به دست آمده است با ۹۵٪ اطمینان می توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت های زندگی به روش

قصه‌گویی بر مؤلفه‌های سیالی مؤثر بوده است اما با توجه به اینکه در مؤلفه بسط F مشاهده شده (۱/۶۰۷) در سطح ($P > ۰/۰۵$) معنادار نیست می‌توان گفت متغیر مستقل پژوهش (آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه‌گویی) بر مؤلفه بسط تأثیر معناداری نداشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر قزوین انجام گرفت. تحلیل نتایج نشان داد که با آموزش مهارت‌های زندگی به شیوه قصه‌گویی می‌توان خلاقیت دانش‌آموزان را افزایش داد.

در تحلیل یافته‌های به دست آمده از فرضیه اول پژوهش، مبنی بر «تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی به شیوه قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت در مؤلفه سیالی» نشان داد با کنترل پیش‌آزمون بین آزمودنی‌های گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ خلاقیت در مؤلفه سیالی تفاوت معناداری وجود دارد.

«تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی به شیوه قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت در مؤلفه بسط» فرضیه دوم پژوهش بود که نتایج نشان داد با کنترل پیش‌آزمون بین آزمودنی‌های گروه آزمایش و گروه گواه در مؤلفه بسط تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه فوق تأیید نشد.

در بررسی فرضیه سوم پژوهش مبنی بر «تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی به شیوه قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت در مؤلفه انعطاف‌پذیری» با کنترل پیش‌آزمون بین آزمودنی‌های گروه آزمایش و گواه در مؤلفه انعطاف‌پذیری، نتایج حاکی از وجود تفاوت معنادار بین دو گروه بود. به بیان دیگر، آموزش مهارت‌های زندگی به شیوه قصه‌گویی با توجه به میانگین

خلاقیت در مؤلفه انعطاف پذیری گروه آزمایش نسبت به میانگین گروه گواه، موجب افزایش خلاقیت گروه آزمایش شده است.

بررسی فرضیه ۴ مبنی بر «تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی به شیوه قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت در مؤلفه ابتکار» نشان داد که با کنترل پیش‌آزمون بین آزمودنی‌های گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ خلاقیت در مؤلفه ابتکار تفاوت معناداری وجود دارد.

به طور کلی نتایج کلی به دست آمده از پژوهش حاضر با پژوهش‌های میدو و پارانز (۲۰۰۷) که نشان دادند آموزش حل مسأله اثر چشمگیری در افزایش خلاقیت افراد تحت آموزش دارد (به نقل از اعظمی، ۱۳۹۱). تاتل (۲۰۰۶) در پژوهش خود نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی در بهبود توانایی برقراری ارتباط مثبت و همچنین انعطاف‌پذیری نوجوانان مؤثر است. در پژوهش پاتامایی (۲۰۰۶) مشخص شد که برنامه آموزشی در رابطه با خلاقیت به طور معناداری باعث ارتقاء خلاقیت و مؤلفه‌های شناختی آن در دانش‌آموزان شده است. همچنین بین مؤلفه‌های خلاقیت؛ یعنی سیالی و ابتکار نیز رابطه معنادار مثبتی مشاهده شد (به نقل از زارع، پیرخائفی و مبینی، ۱۳۸۹). اعظمی (۱۳۹۱) و بیدی و رنجبرزاده (۱۳۹۲) در پژوهش خود تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی را بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان مورد بررسی و تأیید قرار داده‌اند. رادبخش و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که استفاده از روش بازی و قصه‌گویی به طور معناداری موجب افزایش خلاقیت در هر چهار مؤلفه آن در گروه‌های بازی و قصه‌گویی می‌شود. گودرزی و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه‌گویی اثرات مثبت و مفیدی بر کاهش کمروبی کودکان دارد و می‌تواند به عنوان یک روش مناسب برای کاهش کمروبی مورد استفاده قرار گیرد. نتایج پژوهش هاشمی و عباسی (۱۳۹۰) نشان داد آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش کمروبی دانش‌آموزان مؤثر است. پژوهش، جلوه‌گر، کارشکی و اصغری نکاح (۱۳۹۲) که تأثیر آموزش خودتنظیمی را بر حل مسأله کودکان پیش‌دبستانی با قصه‌گویی همراه ساخته و مورد تأیید قرار داده‌اند؛ همخوان و همسو است.

با توجه به ضرورت بیان شده در ارتباط با آموزش مهارت‌های زندگی، خصوصاً با روش‌های نوین از جمله قصه‌گویی، امید است در سازمان‌های مرتبط و مدارس، بویژه نهادهای آموزشی و پرورشی همچون اداره آموزش و پرورش، به ضرورت به کارگیری این سبک در سازمان خویش توجه لازم را مبذول داشته و زمینه‌های لازم جهت ایجاد جو خلاق و نوآور را، که هم برای سازمان و هم برای دانش‌آموزان مطلوب است، ایجاد نمایند.

هر پژوهشی با مجموعه محدودیت‌هایی روبه‌روست که این پژوهش نیز از این قاعده مستثنا نیست. یکی از محدودیت‌ها و کمبودها در این پژوهش، استفاده از یک پرسشنامه به عنوان ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات بود، لذا پیشنهاد می‌شود از چند روش مختلف جمع‌آوری اطلاعات و مخصوصاً روش‌های کیفی جمع‌آوری اطلاعات و انجام پژوهش به صورت کیفی و ترکیبی استفاده کرد تا نتایج به دست آمده با اطمینان بیشتر به کار رفته و مورد تعمیم قرار گیرند. محدودیت دیگر ما مربوط به جامعه آماری متناسب بود. از آنجایی که داده‌های پژوهش از یک جامعه کوچک گرفته شده، لذا ممکن است نتایج تحت تأثیر محیط خاص آن قرار بگیرد و در نتیجه یافته‌های تحقیق به آسانی به دیگر بخش‌ها قابل تعمیم نباشد.

سپاسگزارای: این پژوهش برگرفته از طرح تحقیقی است، نویسندگان انجام شده است. نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از همکاری مسئولین مدرسه و دانش‌آموزان شرکت‌کننده که در این پژوهش ما را یاری نموده‌اند سپاسگزارای نمایند.

منابع

- اسکندری، حسین؛ کیانی، ژاله. (۱۳۸۶). تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه‌ورزی و پرسش‌گری دانش‌آموزان. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، ۲(۷)، ۱-۳۶.
- اشرف پوری، زیور؛ تقی پور، ابراهیم؛ یوسفی لویه، مجید. (۱۳۸۹). تأثیر قصه‌درمانی گروهی بر کاهش نشانه‌های اختلال لجاجی- نافرمانی کودکان. *فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۳۵، ۸۳-۱۰۰.

- اعظمی، محمود. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی در افزایش خلاقیت کودکان دبستانی. طرح پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
- بیدی، فاطمه؛ رنجبرزاده، اکبر. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر افزایش خلاقیت دانش - آموزان. چکیده مقالات ششمین همایش بین المللی روانپزشکی کودک و نوجوان. شهریور ۱۳۹۲ دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- پیرخانی، علیرضا. (۱۳۷۳). بررسی رابطه هوش و خلاقیت بین دانش آموزان پسر مقطع دوم نظری دبیرستان های تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جبلی آده، پریچهر؛ سبحانی، عبدالرضا. (۱۳۹۱). تأثیر به کارگیری روش های تدریس خلاق بر خلاقیت دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی استان گلستان در سال تحصیلی ۹۰-۹۱. فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۲(۲)، ۱۴۷-۱۶۶.
- جلوه گر، افسانه؛ کارشکی، حسین. اصغری نکاح، محسن. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش خودتنظیمی بر حل مسأله کودکان پیش دبستانی. فصلنامه پژوهش های نوین روانشناختی، ۸(۲۹)، ۱۱۶-۱۲۶.
- ساجدی، سهیلا؛ آتش پور، سیدحمید؛ کامکار، منوچهر؛ صمصام شریعت، سیدمحمد رضا. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر روابط بین فردی، عزت نفس و ابراز وجود دختران نابینا. فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۳۹، ۲۳-۴۲.
- سام خانیان، محمدریغ. (۱۳۸۷). خلاقیت و نوآوری در سازمان آموزشی (مفاهیم، نظریه ها، تکنیک و سنجش). تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- سلیمانی، افشین. (۱۳۸۱). کلاس خلاقیت. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- سیدعزیزاله طهرانی، مهرناز. (۱۳۹۰). اثربخشی قصه گویی بر آموزش مهارت های اجتماعی در دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شریفی، علی اکبر؛ داوری، رقیه. (۱۳۸۸). مقایسه سه روش پرورش خلاقیت در افزایش خلاقیت دانش آموزان پایه دوم راهنمایی. فصلنامه روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۵(۱)، ۵۷-۶۲.
- شهرآرای، مهرناز؛ سیدان، ابوالقاسم. فرزاد، ولی اله. (۱۳۸۱). تحلیل خلاقیت در کودکان: معرفی آزمون تفکر خلاق در عمل و حرکت. فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی، ۳۲(۲)، ۱۹۱-۲۱۴.

رادبخش، ناهید؛ محمدی فر، محمدعلی؛ کیان ارثی، فرحناز. (۱۳۹۲). اثربخشی بازی و قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت کودکان. *فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۲(۴)، ۱۷۷-۱۹۵.

رجب پور فرخانی، سمیه؛ جهانشاهی، فاطمه. (۱۳۹۰). اثربخشی قصه‌درمانی در کاهش اختلال رفتاری دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی. *فصلنامه تفکر و کودک*، ۴، ۱۹-۳۵.

زارع، حسین؛ پیرخائفی، علیرضا؛ مبینی، داود. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسأله بر ارتقاء خلاقیت مهندسين با توجه به سنخ شخصیتی آنان. *فصلنامه تازه‌های روانشناسی صنعتی سازمانی*، ۱(۳)، ۴۹-۵۶.

طهماسبیان، کارینه. (۱۳۸۵). کاربرد قصه در آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان. اولین کنگره سراسری هنردرمانی در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

غلامی توران پشته، مرضیه؛ کریم زاده، صمد. (۱۳۹۰). تأثیر بازی‌های رایانه‌ای بر خلاقیت و رابطه آن با سازگاری روانی دانش‌آموزان. *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ۷(۱)، ۵۵-۶۸.

گودرزی، نسرین؛ مکوند حسینی، شاهرخ؛ رضایی، محمدعلی؛ بلوطبنگان، افضل اکبری. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه‌گویی بر میزان کمروبی دانش‌آموزان. *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، ۱۷(۵)، ۱۲۱-۱۳۶.

ملکی قاسم، حسن. (۱۳۸۵). *آشنایی با فعالیت‌های تربیتی اجتماعی فعالیت‌های فوق برنامه*. تهران: آبیژ.

نصیرزاده، راضیه؛ روشن، رسول. (۱۳۸۹). تأثیر قصه‌گویی در کاهش پرخاشگری پسران شش تا هشت ساله. *فصلنامه روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۶(۲)، ۱۱۸-۱۲۶.

هاشمی، سید احمد، و عباسی، ابوالفضل. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش امنیت روانی (کاهش کمروبی) دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان لامرد. بازیابی شده در <http://www.dr-hashemi.com/index.php?newsid=214> از ۹۱/۳/۱۵

Alfonso-Benlliure, V.; Meléndez, G & García-Ballesteros, M. (2013). Evaluation of a creativity intervention program for preschoolers. *Thinking Skills and Creativity*, 10, 112-120.

- Desocio, J.F. (2005). Assessing self-development through narrative approaches in child and adolescent psychotherapy. *Journal Child Adolesc Psychiatr Nurs*, 18(2), 53-61.
- Fedotova, O.; Latun, V. (2015). Experimental Study of Audiovisual Approach in an ours on the Psychology of Creativity. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 191, 1054 –1061.
- Forgan, J.W. (2002). Using bible therapy to teach problem solving. *Intervention in School and Clinic*, 38(2), 75-83.
- Hong, E.; Peng, Y.; Jr, H.; & Wu, J. (2013). Domain-General and Domain-Specific Creative-Thinking Tests: Effects of Gender and Item Content on Test Performance. *The Journal of Creative Behavior*, 47(2), 89-105.
- Malka, M. (2010). Lonely children and adolescent: Self-perception and social exclusion and hope, in 1st(ads). *Springer*: New York.
- Prieto, M.D.; Parra, J.; Fernando, M.; Fernandez, C.; Bermejo, M.R.; & Sanchez, C. (2006). Creative abilities in early childhood. *Journal of Early Childhood Research*, 4, 277-290.
- Tuttle, J. (2006). Adolescent life skills training for high risk teens: results of group intervention study. *Journal of Pediatric Health Care*, 20, 184-191.
- Victoria.; Karina, W.; Rainer, K.S. (2009). The life skills program IPSY: Positive influences on school binding and prevention of substance misuse. *Journal of Adolescence*, 32(6), 1391-1401.
- Shechtman, Z.; Nasaraladin, D.B. (2006). Treating mithers of aggressive children: A research study, international. *Journal of Group Psychotherapy*, 56(1), 93-112.